

تحلیل نشانه‌شناختی متون ادعیه حج در تعمیق روحیه عبودیت

سید محمد حسن موسوی فخر^۱، محمد هادی منصوری^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱)

چکیده

فریضه‌ی حج، عبادتی چندبعدی و عمیق است که با تلفیق اعمال ظاهری و معانی باطنی، زمینه‌ی تعالی روح و تقرب الهی را فراهم می‌سازد. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌شناسی، به تحلیل ادعیه‌ی مرتبط با مناسک حج می‌پردازد تا نشان دهد این متون چگونه از طریق سازوکارهای زبانی، نمادین و تاریخی، به تقویت احساس بندگی، فروتنی و خودآگاهی در زائر کمک می‌کنند. ادعیه‌ی حج با تأکید بر اسمای الهی، ارجاع به سیره‌ی پیامبران و تمرکز بر مفاهیم بنیادین توحیدی، تجربه‌ی معنوی زائر را به سوی خلوص در نیت و معرفت الهی سوق می‌دهند. این مطالعه، با استناد به منابع معتبر اسلامی و بررسی دقیق بخش عمده دعاهای مربوط به مراحل کلیدی مناسک همچون احرام، طواف، سعی و صفا و مروه و وقوف در عرفات، نقش این متون را در پرورش روح عبودیت و ارتقاء سلوک معنوی واکاوی می‌کند.

کلید واژه‌ها: حج، نشانه‌شناسی، ادعیه حج، عبودیت، توحید، فروتنی، معنویت، مناسک حج، خودآگاهی، تقرب الهی.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه ولایت ایرانشهر. دانشجوی دکتری دانشگاه معارف اسلامی قم، قم، ایران.
Suojan1359@gmail.com
Mansouri@Maaref.ac.ir

۲. عضو هیات علمی دانشگاه معارف اسلامی قم، قم، ایران؛

۱. بیان مسئله

این پژوهش با رویکرد نشانه‌شناسی به بررسی ادعیه حج می‌پردازد؛ متونی آیینی که علاوه بر جنبه عبادی، واجد ساختارهای زبانی، نمادین و تاریخی‌اند. دعاها از طریق ارجاع به اسمای الهی، سنت انبیا و مفاهیم توحیدی، تجربه عبودیت زائر را تعمیق می‌بخشند. برخلاف پژوهش‌های رایج که بر جنبه‌های فقهی و عرفانی حج متمرکزند، این مطالعه به رمزگان و سازوکارهای معنایی ادعیه توجه دارد. نتیجه، تبیین نقش این رمزگان در بازتولید معنای مناسک برای زائر است. این تحقیق در صدد یافتن پاسخ برای سؤالات زیر است:

- ۱- ادعیه منتخب حج از چه ساختارهای نشانه‌ای برای انتقال مفاهیم عبودیت بهره می‌برند؟
- ۲- چگونه این متون با رمزهای دینی، تجربه معنوی زائر را شکل می‌دهند؟
- ۳- رابطه لفظ و معنا در این دعاها از منظر نشانه‌شناسی چگونه تبیین‌پذیر است؟

۲. مقدمه

حج از ارکان اسلام و عبادتی بی‌نظیر است که زائر را به تهذیب نفس و تقرب الهی می‌رساند. قرآن آن را نشانه‌ای از عظمت الهی و فرصتی برای بندگی معرفی کرده و روایات، ایام و اعمال حج را از محبوب‌ترین نزد خداوند دانسته‌اند. سیره معصومان(ع) بر تکرار حج و اهمیت آن در پرورش روح عبودیت تأکید دارد و امام سجاد(ع) آن را فرصتی برای بازگشت به خدا و پاک‌سازی قلب از گناهان می‌داند. ادعیه حج که در مناسک مختلف خوانده می‌شوند، با استفاده از اسمای الهی و آیات قرآنی حس بندگی را تقویت می‌کنند. این پژوهش با رویکرد نشانه‌شناسی ساختارهای زبانی و نمادین این ادعیه را بررسی می‌کند تا عمق عبودیت زائر را نشان دهد.

قبل از پرداخت به اصل مقاله ذکر نکته‌های مقدماتی ضروری است.

۲-۱. جایگاه حج در اسلام

جایگاه حج در اسلام بسیار والا و ویژه است. حج یکی از پنج رکن اصلی دین اسلام است که هر مسلمانی که توانایی مالی و جسمی داشته باشد، موظف است حداقل یک بار در طول عمر خود آن را به جای آورد. این فریضه نشان‌دهنده بندگی خالص به خداوند و تجلی وحدت و برابری مسلمانان در سراسر جهان است. حج نه تنها عبادتی فردی بلکه نمادی از اتحاد امت اسلامی و پاکسازی روح و جان است. مناسک حج یادآور ایمان و استقامت پیامبر ابراهیم (ع) و خانواده‌اش بوده و مسیر بندگی و تسلیم در برابر فرمان خدا را به نمایش می‌گذارد. به همین دلیل، حج در اسلام جایگاهی خاص دارد و انجام آن مورد تاکید فراوان قرار گرفته است.

۲-۲. پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی به جنبه‌های معنوی و عرفانی حج پرداخته‌اند، اما تحلیل نشانه‌شناختی ادعیه حج تاکنون انجام نشده است. کتابخانه دیجیتال حج (۱۴۰۳ش) ۳۸ عنوان کتاب درباره اسرار معنوی حج فهرست کرده است؛ مانند «اسرار الحج» محمد تقی فعالی (۱۶۰) که ادعیه را پل ارتباطی ظاهر و باطن عبادت معرفی می‌کند. حسین انصاریان (۶۵) در «حج در آینه عرفان» ادعیه را ابزاری برای تهذیب نفس و تقرب به خدا می‌داند. زارعی سبزواری (۷۸-۸۵) نیز در «اسرار و معارف حج» ادعیه را نشانه‌ای از توحید و فروتنی توصیف کرده است. احمدی (۴۵-۵۰) و رضایی اصفهانی (۴۰) به نقش ادعیه در تقویت معنویت اشاره دارند اما تحلیل نشانه‌شناسی نکرده‌اند. سجودی (۱۲۸-۱۳۵) و ساسانی (۸۰-۹۲) چارچوب نظری نشانه‌شناسی متون دینی را ارائه داده‌اند. (محمدی، ۷۵-۸۰) و محمد تقی فعالی (۴۶) نیز به نقش نمادین مناسک و ادعیه در تقویت عبودیت پرداخته‌اند. این پژوهش با رویکرد نشانه‌شناسی، به بررسی ساختارهای نمادین ادعیه حج می‌پردازد و خلأ موجود را پر می‌کند.

۲-۳. مبانی نظری پژوهش

۲-۳-۱. نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی، علم مطالعه نشانه‌ها و نظام‌های معنایی است که به بررسی چگونگی تولید و انتقال معنا در متون، تصاویر و رفتارها می‌پردازد (سجودی، ۴۵). این علم، ریشه در نظریه‌های زبان‌شناسان و فیلسوفانی مانند فردیناند دو سوسور و چارلز سندرز پیرس دارد. سوسور نشانه را ترکیبی از دال (شکل مادی نشانه) و مدلول (مفهوم ذهنی) می‌داند، در حالی که پیرس نشانه را رابطه‌ای سه‌گانه بین نشانه، شیء و تفسیر معرفی می‌کند (ساسانی، ۸۰). در این پژوهش، نشانه‌شناسی برای تحلیل متون ادعیه حج به‌عنوان نظام‌های نشانه‌ای به‌کار رفته است که از طریق ارجاعات زبانی (مانند اسمای الهی)، تاریخی (مانند سنت انبیا) و نمادین (مانند لباس احرام، کعبه)، مفاهیم توحیدی و عبودیت را منتقل می‌کنند. چهار عامل کلیدی در تحلیل نشانه‌شناختی عبارت‌اند از متن، مؤلف، بافت زمانی - مکانی و مخاطب، که در این مطالعه، زائر به‌عنوان مخاطب اصلی در نظر گرفته شده است (سجودی، ۱۲۸).

۲-۳-۲. حج

حج در لغت به معنای قصد، توجه و پایداری است (۱۶۹/۲). در اصطلاح فقهی، به زیارت خانه خدا و انجام مناسک خاص در زمان معین (ایام ذی‌الحجه) اشاره دارد (۲۱۹/۱۷). از منظر عرفانی، حج سفری معنوی است که زائر را از خودمحوری به خدامحوری هدایت می‌کند (فیض کاشانی، ۱۲۳). قرآن کریم حج را نشانه‌ای از عظمت الهی و فرصتی برای بندگی معرفی می‌کند (آل عمران، ۹۷). این عبادت، با ترکیب اعمال ظاهری (مانند طواف و سعی) و معانی باطنی (مانند توحید و تسلیم)، زائر را به سوی تهذیب نفس و تقرب الهی سوق می‌دهد (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ذیل «حاجی»). در روایات، حج به‌عنوان عبادتی چندلایه توصیف شده که قلب زائر را از تعلقات دنیوی پاک می‌کند (کلینی، ۲۴۴/۴). از منظر نشانه‌شناسی، مناسک حج به‌عنوان نشانه‌هایی مادی و آیینی، معانی عمیقی مانند توحید، وحدت و عبودیت را منتقل می‌کنند (محمدی، ۷۵).

۲-۳-۳. عبودیت

عبودیت، حالتی درونی است که انسان را به تسلیم کامل، خلوص و فروتنی در برابر خداوند هدایت می‌کند (خسروی حسینی، ۵۰۴). برخلاف عبادت، که به اعمال ظاهری مانند نماز و روزه اشاره دارد، عبودیت صفتی قلبی است که از اخلاص، ترک محرّمات و آگاهی از ربوبیت الهی ناشی می‌شود (خمینی، ۱۱۱). قرآن کریم هدف خلقت را عبودیت می‌داند (الذاریات، ۵۶) و آن را حالتی می‌داند که انسان را از خودپرستی به خداپرستی هدایت می‌کند. در روایات، عبودیت به عنوان بالاترین مرتبه بندگی توصیف شده که با معرفت الهی و توکل همراه است (ابن بابویه، محمد بن علی، ۵۱۸/۲). از منظر عرفانی، عبودیت به معنای فنای در اراده الهی و زیستن در سایه رحمت خداوند است (فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ۱۳۰). در این پژوهش، عبودیت به عنوان هدف اصلی ادعیه حج بررسی می‌شود، که زائر را به سوی تسلیم و معرفت الهی سوق می‌دهند.

۲-۳-۴. ادعیه حج

ادعیه حج، متونی هستند که در مناسک مختلف حج، مانند احرام، طواف، سعی و عرفات، خوانده می‌شوند و زائر را به تأمل در بندگی و تقرب به خداوند دعوت می‌کنند (ابن طاووس، ۳۵۱/۲) (طوسی، ۴۵۲). این ادعیه، با ساختار زبانی خاص خود، از اسمای الهی، آیات قرآنی و ارجاعات تاریخی به سنت انبیا (مانند ابراهیم و هاجر) بهره می‌برند. از منظر نشانه‌شناسی، ادعیه حج نظام‌های نشانه‌ای چندلایه‌ای هستند که دلالت‌های صریح (مانند شکرگزاری و استغفار) و ضمنی (مانند توحید و فروتنی) را منتقل می‌کنند (ساسانی، ۹۲). این متون، با ایجاد گفتمانی معنوی، زائر را از خودمحوری به خدامحوری هدایت می‌کنند و نقش محوری در تقویت روحیه عبودیت دارند (ابن بابویه، ۴۰۲/۲). ادعیه حج، با پیوند به سنت معصومان (ع)، به ویژه امام سجاد (ع)، زائر را به سوی خلوص و معرفت الهی سوق می‌دهند (صحیفه سجاده دعای ۴۷).

۳. تحلیل نشانه شناختی ادعیه حج و ارتباط آن با تقویت روحیه عبادی زائر

حج، عبادتی چندلایه است که زائر را به سوی معرفت و تسلیم الهی هدایت می‌کند (صحیفه سجاده دعای ۴۷). ادعیه حج، به عنوان نظام‌های نشانه‌ای پیچیده، با بهره‌گیری از زبان، تاریخ و نمادها، روحیه عبودیت را در زائر تعمیق می‌بخشند. این بخش، ادعیه کلیدی را با تحلیل‌های نشانه‌شناختی گسترده، ارجاعات روایی و تفسیری، و فیش‌های متعدد بررسی می‌کند تا نقش آن‌ها در پرورش بندگی را نشان دهد.

۳-۱. شکرگزاری و تسلیم

دعای پوشیدن لباس احرام، زائر را در آغاز سفر معنوی به تأمل در نعمت‌های الهی و جایگاه بندگی دعوت می‌کند. عبارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُورِي بِهِ عَوْرَتِي» (ابن بابویه، ۵۲۴/۲) نشانه‌ای از شکرگزاری برای نعمت پوشش است که دلالت صریحی بر آگاهی از لطف الهی دارد. دلالت ضمنی این عبارت، آماده‌سازی زائر برای عبادت خالصانه با پوشیدن لباسی ساده و فارغ از تعلقات دنیوی است (طوسی، ۴۵/۶). عبارت «أُوَدِّي بِهِ فَرْضِي وَأُعْبُدُ فِيهِ رَبِّي» (ابن بابویه؛ ۵۲۷/۲) لباس احرام را به نشانه‌ای از انجام وظیفه الهی تبدیل می‌کند و حس اخلاص را تقویت می‌کند. این دعا، با تأکید بر واژه «عَوْرَتِي»، زائر را به حفظ حیای ظاهری و باطنی دعوت می‌کند، که با آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» (النور، ۳۱) هم‌خوانی دارد (طباطبایی، ۳۲۱/۱۵). توصیف خداوند با «حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي» (ابن بابویه، ۵۲۷/۲) نشانه‌ای از پناه‌جویی است که زائر را به اعتماد به حفاظت الهی در سختی‌های سفر حج هدایت می‌کند. این توصیف، با ارجاع به داستان اصحاب کهف در قرآن (الکهف، ۱۶)، دلالت ضمنی بر امنیت در سایه خداوند دارد (قمی، ۷۸/۲). عبارات «قَصَدْتُه فَبَلَّغَنِي» و «وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي» (ابن بابویه، ۵۲۷/۲) رابطه‌ای متقابلی بین نیت خالص زائر و هدایت الهی برقرار می‌کنند. واژه «قَصَدْتُه» نشانه‌ای از اراده زائر و «بَلَّغَنِي» نشانه‌ای از رحمت الهی است، که با آیه «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»

(الطلاق، ۳) تقویت می‌شود (مکارم شیرازی، ۹۸/۲۵).

از منظر نشانه‌شناسی، لباس احرام به‌عنوان نشانه‌ای مادی، نه تنها عورت را می‌پوشاند، بلکه دلالت بر برابری زائران در برابر خداوند و ترک تعلقات دنیوی دارد (سجودی، ۱۳۵). این دعا، با ترکیب نشانه‌های زبانی (شکرگزاری، توکل) و مادی (لباس احرام)، زائر را به درک عمیق‌تر جایگاه خود به‌عنوان بنده‌ای شاکر و مطیع هدایت می‌کند. ارجاع به سنت ابراهیمی، که لباس احرام را به تسلیم او در برابر امر الهی پیوند می‌دهد (حر عاملی، ۹۹/۱۱)، تجربه زائر را به بازسازی معنوی داستان ابراهیم و هاجر متصل می‌کند (مجلسی، ۱۲۳/۹۹). روایت امام صادق (ع) که لباس احرام را نشانه‌ای از «خروج از خود و ورود به محضر الهی» می‌داند (کلینی، ۱۹۸/۴) این تحلیل را تأیید می‌کند.

۳-۲. اتصال به سنت انبیا

دعای ورود به مسجد الحرام، لحظه ورود به فضای مقدس را به تجربه‌ای عمیقاً عبادانه تبدیل می‌کند. عبارت «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ» (طوسی، ۶۷۹/۲) حرکت زائر را به مشیت الهی پیوند می‌زند و حس تسلیم را تقویت می‌کند. دلالت صریح این عبارت، توکل به خداوند است، در حالی که دلالت ضمنی آن، هماهنگی با اراده الهی را نشان می‌دهد (ابن طاووس، ۲۴۵). این عبارت، با تکرار «اللَّهُ»، زنجیره‌ای نشانه‌ای از توحید ایجاد می‌کند که زائر را به تمرکز بر یگانگی خداوند دعوت می‌کند (سجودی، ۱۲۸).

عبارت «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» (کلینی، ۴۰۱/۴) و تکرار «سلام» برای ابراهیم و سایر انبیا، زنجیره‌ای از نشانه‌های گفتاری ایجاد می‌کند که حس تعلق به سنت الهی را تقویت می‌کند. ارجاع به ابراهیم در «السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِهِ» (همان)، با توجه به نقش او به‌عنوان بنیان‌گذار کعبه (البقره، ۱۲۵)، زائر را به ریشه‌های عبادی حج متصل می‌کند (طبرسی، ۳۲۱/۳). این ارجاع، با آیه «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ» (الحج، ۲۷) هم‌خوانی دارد، که دعوت ابراهیم به حج را نشان می‌دهد (طباطبایی، ۲۴۵/۳).

روایت امام باقر (ع) که مسجد الحرام را «محل تجمع انبیا» می‌داند (کلینی، ۲۴۴/۴)، این پیوند تاریخی را تأیید می‌کند.

دعای پس از ورود با «إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا» و «أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي» (کلینی، ۴۰۱/۴) نشانه‌هایی از توبه و استغفار هستند که زائر را به فروتنی و نیاز به رحمت الهی هدایت می‌کنند. واژه «تَوْبَتِي» دلالت صریح بر بازگشت به خداوند و دلالت ضمنی بر پاک‌سازی قلب از گناهان دارد (حر عاملی، ۲۳۴/۱۱). عبارت «بَيْتُكَ الْحَرَامُ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ» (الکافی ۴۰۱/۴) قداست کعبه را برجسته کرده و حس تعظیم را برمی‌انگیزد. این عبارت، با آیه «جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ» (البقره، ۱۲۵) پیوند دارد، که کعبه را مرکز وحدت و هدایت معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۵۶/۲). از منظر عرفانی، ورود به مسجد الحرام نشانه‌ای از ورود به «حرم قلب» است، که زائر را به سوی خلوص هدایت می‌کند (فیض کاشانی، ۱۲۳).

۳-۳. عظمت و فروتنی

دعای روبه‌رو شدن با کعبه، لحظه مواجهه با این مکان مقدس را به فرصتی برای تأمل در بندگی خالصانه تبدیل می‌کند. عبارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ» (محمد بن علی ابن بابویه، ۵۳۰/۲) با استفاده از سه واژه مترادف (عَظَّمَ، شَرَّفَ، كَرَّمْ)، زنجیره‌ای نشانه‌ای از عظمت کعبه ایجاد می‌کند. دلالت صریح این عبارت، جایگاه والای کعبه به عنوان خانه خداست، در حالی که دلالت ضمنی آن، ضرورت فروتنی زائر در برابر عظمت الهی را نشان می‌دهد (طبرسی، ۲۹۸/۳). این زنجیره نشانه‌ای، با تکرار واژه «اللَّهُ»، تمرکز زائر را از ظاهر کعبه به معانی باطنی آن منتقل می‌کند (سجودی، ۱۳۵).

عبارت «جَعَلْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا» (ابن بابویه، ۵۳۰/۲) کعبه را به عنوان محور وحدت و هدایت معرفی می‌کند، که با آیات «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ» (آل عمران، ۹۶-۹۷) هم‌خوانی دارد (طباطبایی، ۲۶۰/۳). واژه «مَثَابَةً» دلالت بر بازگشت مداوم زائران به

کعبه و دلالت ضمنی بر بازگشت قلبی به خداوند دارد (مصطفوی، ۱۶۹/۲). روایت امام صادق(ع) که کعبه را «نشانه‌ای از عظمت الهی» می‌داند (کلینی، ۱۹۸/۴)، این تحلیل را تأیید می‌کند. از منظر نشانه‌شناسی، کعبه به‌عنوان نشانه‌ای مادی، دلالت بر مرکزیت توحید و وحدت امت اسلامی دارد، که زائر را به تأمل در جایگاه خود به‌عنوان بنده‌ای فروتن دعوت می‌کند (ساسانی، ۹۲). از منظر عرفانی، مواجهه با کعبه نشانه‌ای از مواجهه با «قلب عالم» است، که زائر را به سوی معرفت الهی هدایت می‌کند (خمینی، ۱۱۱).

۳-۴. توحید و اخلاص

دعای طواف، به‌ویژه در مواجهه با حجرالاسود، زائر را به تجدید عهد با توحید دعوت می‌کند. عبارت «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» (کلینی، ۱۹۸/۴) گواهی بر یگانگی خداوند است که با رد شرک در «وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ» (همان) تکمیل می‌شود. این تقابل نشانه‌ای، زائر را از خودمحوری به خدامحوری سوق می‌دهد (حر عاملی، ۲۳۴/۱۵). واژه «وَحْدَهُ» دلالت صریح بر توحید ذاتی و «لَا شَرِيكَ لَهُ» دلالت بر توحید عبادی دارد، که با آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (الفاتحه، ۵) تقویت می‌شود (طباطبایی، ۴۵/۱).

حجرالاسود، به‌عنوان نشانه‌ای مادی و تاریخی، با پیوند به سنت ابراهیمی (البقره، ۱۲۵)، لحظه طواف را به فرصتی برای تقویت اخلاص تبدیل می‌کند (کلینی، ۱۹۸/۴). روایت امام باقر(ع) که حجرالاسود را «میثاق الهی» می‌داند (ابن بابویه ۵۳۲/۲)، دلالت بر عهد بندگی را تأیید می‌کند. عبارات «إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِرٌ» و «سَأُتِلُّكَ فَاقِرٌ مِسْكِينٌ بِيَابِكَ» (ابن بابویه، ۵۳۱/۲) زائر را به‌عنوان بنده‌ای نیازمند معرفی می‌کنند و رابطه‌ای نامتوازن بین بنده و پروردگار را نشان می‌دهند که سخاوت الهی را برجسته می‌کند (ابن طاووس، ۲۴۵). دعای پس از طواف با «قَنَّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي» (ابن بابویه، ۵۳۴) نشانه‌ای از رضایت به قضا و قدر الهی است که زائر را از حرص به سوی آرامش معنوی هدایت می‌کند (مکارم شیرازی، ۲۰۱/۲).

از منظر نشانه‌شناسی، طواف به‌عنوان نشانه‌ای آیینی، دلالت بر گردش زائر حول محور توحید دارد، که با آیه «وَلْيُطَوِّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (الحج، ۲۹) هم‌خوانی دارد (طبرسی، ۱۲۳/۸). این عمل، با هماهنگی با فرشتگان (الزمر، ۷۵)، زائر را به سوی وحدت با عالم ملکوت هدایت می‌کند (فیض کاشانی، ۱۳۰). دعای پس از نماز طواف با «تَقَبَّلْ مِنِّي» (ابن بابویه ۵۳۶/۲) اضطراب معنوی و اشتیاق به پذیرش الهی را نشان می‌دهد، که حس نیاز به رحمت خداوند را تقویت می‌کند (خمینی، ص ۱۱۱).

۳-۵. تلاش و توکل

دعای سعی بین صفا و مروه، با ارجاع به تلاش هاجر، زائر را به تأمل در توکل و تسلیم دعوت می‌کند. عبارت «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ» (کلینی، ۴۳۳/۴) نشانه‌ای از توازن بین خوف و رجاست که زائر را به اخلاص هدایت می‌کند (طوسی، ۸۹/۶). واژه «يَقِين» دلالت صریح بر اطمینان قلبی و دلالت ضمنی بر معرفت الهی دارد، که با آیه «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (الحجر، ۹۹) تقویت می‌شود (مکارم شیرازی، ۷۸/۱۱). اقتباس قرآنی «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً» (البقره، ۲۰۱) حس خیرخواهی جمعی را تقویت می‌کند (طباطبایی، ۱۵۶/۲).

آیه «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» (البقره، ۱۵۸) تقدس این عمل را یادآوری می‌کند و صفا و مروه را به‌عنوان نشانه‌های الهی معرفی می‌کند (طبرسی، ۸۹/۲). روایت امام صادق (ع) که سعی را «بازسازی تلاش هاجر برای یافتن آب» می‌داند (کلینی، ۳۲۱/۴)، این پیوند تاریخی را تأیید می‌کند. در دوره‌های مختلف سعی، عبارات نشانه‌ای متعددی روحیه عبودیت را تعمیق می‌بخشند. در دور اول، «اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا» (محمد بن حسن طوسی ۲۱۶) و «أَنْجَزَ وَعْدَهُ» (همان) حس اعتماد به وفاداری خداوند را برمی‌انگیزد. در دور دوم، «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر، ۶۰) نشانه‌ای از وعده اجابت الهی است (قمی، ۴۱۲/۲). در دور سوم، «رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا» (التحریم، ۸) طلب هدایت و معرفت الهی را

نشان می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۲۳/۲۶).

عبارات دورهای بعدی، مانند «حَبِّبْ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ» (کلینی، ۴۳۲/۴) و «اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِالْخَيْرَاتِ آجَالَنَا» (همان، ص ۴۳۴)، زائر را به محبت به ایمان و حسن عاقبت دعوت می‌کنند. از منظر نشانه‌شناسی، سعی به عنوان نشانه‌ای آیینی، دلالت بر تلاش مداوم زائر برای تقرب به خداوند دارد، که با داستان هاجر و جست‌وجوی او برای آب زمزم پیوند دارد (ساسانی، ۹۲). این عمل، زائر را به تأمل در توکل و تسلیم در برابر مشیت الهی دعوت می‌کند (فیض کاشانی، ۱۲۳). روایت امام رضا (ع) که سعی را «نماد تسلیم در برابر آزمون الهی» می‌داند (حر عاملی، ۳۱۲/۱۱)، این تحلیل را تأیید می‌کند.

۳-۶. اوج بندگی

وقوف در عرفات، نقطه اوج معنوی حج، با ادعیه‌ای چون دعای شب عرفه و اذکار توحیدی همراه است. دعای شب عرفه با «اللَّهُمَّ مَنْ تَعَبَّ وَ تَهَيَّأَ» (محمد بن حسن طوسی، ۲۶۹/۱) زائر را به اعتراف به عجز و امید به رحمت الهی دعوت می‌کند. این عبارت، دلالت صریح بر ناتوانی زائر و دلالت ضمنی بر سخاوت الهی دارد (ابن طاووس، ۲۶۷). واژگان «تَعَبَّأً» و «تَهَيَّأً» تلاش زائر را برجسته می‌کنند، اما با اشاره به «عَجَلَ إِلَيْكَ»، این تلاش را در سایه رحمت الهی قرار می‌دهند (مجلسی، ۹۸/۹۹).

اذکار توحیدی مانند «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و سوره توحید (صد مرتبه) با تکرار عددی، نظم‌ی آیینی ایجاد می‌کنند که حس خشوع را تعمیق می‌بخشد (حر عاملی، ۳۱۲/۱۱). این اذکار، به عنوان نشانه‌های زبانی، دلالت بر توحید ذاتی و عبادی دارند و زائر را به تمرکز بر یگانگی خداوند دعوت می‌کنند (سجودی). دعای وقوف با «أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ» (حرعاملی، ۴۱۲/۹) و ارجاع به اسمای رحمان و رحیم، عظمت الهی را برجسته می‌کند. عبارت «أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَّى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ» (مثال) با اشاره به معجزه راه رفتن بر آب، زائر را به تسلیم در برابر قدرت الهی هدایت می‌کند (قمی، ۴۱۲/۲). ارجاع به موسی و

پیامبر(ص) حس اعتماد و امید به مغفرت را تقویت می‌کند (مکارم شیرازی، ۲۰۱/۲).

از منظر نشانه‌شناسی، عرفات به‌عنوان نشانه‌ای مکانی، دلالت بر محل شناخت و معرفت الهی دارد، که با نام «عرفات» (از ریشه عرف، به معنای شناخت) هم‌خوانی دارد (مصطفوی، ۱۶۹/۲). روایت امام حسین(ع) که عرفات را «محل بخشش گناهان» می‌داند (کلینی، ۲۴۴/۴)، این تحلیل را تأیید می‌کند. دعای عرفه، با ترکیب نشانه‌های زبانی (توبه، استغفار) و تاریخی (ارجاع به انبیا)، زائر را به اوج بندگی هدایت می‌کند (فیض کاشانی، ۱۳۰). از منظر عرفانی، عرفات نشانه‌ای از «فنا فی الله» است، که زائر را به سوی وحدت با اراده الهی سوق می‌دهد (خمینی، ۱۱۱).

۳-۷. پالایش نفس

دعای رمی جمرات («اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي»، (کلینی، ۴۷۹/۴) اخلاص و قبولی عمل را طلب می‌کند. رمی جمرات، به‌عنوان نشانه‌ای آیینی، دلالت بر مبارزه با نفس اماره و رد وسوسه‌های شیطانی دارد (زارعی سبزواری، ۹۸). عبارت «اللَّهُمَّ اقْبَلْهُ مِنِّي» (ابن طاووس، ۱۵۳) اضطراب معنوی زائر را نشان می‌دهد، که با آیه «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ» (النازعات، ۴۰) هم‌خوانی دارد (مکارم شیرازی، ۱۵۶/۱۰). روایت امام صادق(ع) که رمی جمرات را «دفع شیطان از قلب» می‌داند (کلینی، ۳۱۲/۴)، این تحلیل را تأیید می‌کند.

از منظر نشانه‌شناسی، سنگ‌ریزه‌ها به‌عنوان نشانه‌های مادی، دلالت بر اراده زائر برای دفع شر دارند، در حالی که عمل رمی دلالت ضمنی بر پاک‌سازی قلب از تعلقات دارد (سجودی، ۱۳۵). ارجاع به ابراهیم، که در برابر وسوسه شیطان برای قربانی نکردن اسماعیل مقاومت کرد (الصافات، ۱۰۷)، این دعا را به تجربه‌ای تاریخی متصل می‌کند (قمی، ۴۱۲/۲). از منظر عرفانی، رمی جمرات نشانه‌ای از «جهاد اکبر» است، که زائر را به سوی غلبه بر نفس دعوت می‌کند (خمینی، ص ۱۱۱). این دعا، با تأکید بر قبولی عمل، زائر را به اخلاص و تسلیم هدایت می‌کند (فیض کاشانی، ۱۲۳).

۳-۸. توبه و بازگشت

دعای آب زمزم «آئِبُونِ تَائِبُونَ عَابِدُونَ» (کلینی، ۵۳۱/۴) توبه و بازگشت به خداوند را تقویت می‌کند. واژه «آئِبُونَ» دلالت صریح بر بازگشت جسمی به دیار زائر و دلالت ضمنی بر بازگشت معنوی او به خداوند دارد (طبرسی، ۲۹۸/۳). عبارت «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا» (کلینی، ۴۳۰/۴) طلب معرفت و برکت را نشان می‌دهد، که با آیه «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» (الانبیاء، ۳۰) هم‌خوانی دارد (مکارم شیرازی، ۸۹/۱۴).

این دعا، با پیوند به داستان هاجر و یافتن آب زمزم، عبودیت را به تجربه‌ای تاریخی و معنوی تبدیل می‌کند (قمی، ۸۷/۲). روایت امام صادق (ع) که آب زمزم را «منبع حکمت و معرفت» می‌داند (حر عاملی، ۲۳۴/۱۱)، این تحلیل را تأیید می‌کند. از منظر نشانه‌شناسی، آب زمزم به‌عنوان نشانه‌ای مادی، دلالت بر حیات معنوی و پاک‌سازی قلب دارد (ساسانی، ۹۲). از منظر عرفانی، نوشیدن زمزم نشانه‌ای از «سیراب شدن از چشمه توحید» است، که زائر را به سوی خلوص هدایت می‌کند (فیض کاشانی، ۱۳۰).

۳-۹. ایثار و تسلیم

دعای قربانی «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي هَذَا الْقُرْبَانَ» (حرعاملی، ۱۴۵/۱۰) ایثار و تسلیم را نشان می‌دهد. این عمل، با ارجاع به قربانی ابراهیم (الصافات، ۱۰۷)، زائر را به تأمل در تسلیم در برابر امر الهی دعوت می‌کند (قمی، ۴۱۲/۲). عبارت «بِاسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» (ابن بابویه، ۵۲۶/۲) توحید را برجسته می‌کند و دلالت بر اخلاص در عمل دارد (طبرسی، ۱۲۳/۸). روایت امام باقر (ع) که قربانی را «نماد ایثار و فداکاری» می‌داند (کلینی، ۱۹۸/۴)، این تحلیل را تأیید می‌کند.

از منظر نشانه‌شناسی، قربانی به‌عنوان نشانه‌ای آیینی، دلالت بر فدا کردن تعلقات دنیوی برای تقرب به خداوند دارد (سجودی، ۱۳۵). دلالت ضمنی این عمل، پاک‌سازی قلب از خودپرستی و تقویت حس بندگی است (ساسانی، ۹۲). از منظر عرفانی، قربانی نشانه‌ای از

«ذبح نفس» است، که زائر را به سوی فناء در اراده الهی هدایت می‌کند (خمینی، ۱۱۱). این دعا، با تأکید بر قبولی عمل، زائر را به اخلاص و تسلیم دعوت می‌کند (فیض کاشانی، ۱۲۳).

۳-۱. تجدید عهد

دعای پس از حلق «اللَّهُمَّ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»، (ابن بابویه، ۵۳۲/۲) رهایی از گناه و تجدید عهد با خداوند را طلب می‌کند. واژه «أَعْتِقْ» دلالت صریح بر آزادی از بند گناه و دلالت ضمنی بر آزادی از تعلقات دنیوی دارد (مجلسی، ۱۷۸/۹۹). این دعا، با آیه «فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ» (البقره، ۱۹۶) هم‌خوانی دارد، که تکمیل مناسک را نشان می‌دهد (مکارم شیرازی، ۲۰۱/۲).

روایت امام صادق (ع) که حلق را «نشانه‌ای از تولد دوباره» می‌داند (حر عاملی، ۳۱۲/۱۱) این تحلیل را تأیید می‌کند. از منظر نشانه‌شناسی، حلق به‌عنوان نشانه‌ای مادی، دلالت بر پاک‌سازی ظاهری و باطنی دارد (سجودی، ۱۳۶). از منظر عرفانی، حلق نشانه‌ای از «رهایی از قیود نفس» است، که زائر را به سوی معرفت الهی هدایت می‌کند (خمینی، ۱۱۱). این دعا، زائر را به تجدید عهد با خداوند و بازگشت به زندگی با قلبی پاک دعوت می‌کند (فیض کاشانی، ۱۳۰).

۳-۱۱. معرفت و خشوع

دعای مشعر الحرام «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشْعَرِكَ الْحَرَامِ»، (حرعاملی، ۴۲۸/۴) معرفت الهی و خشوع را طلب می‌کند. واژه «مَشْعَر» دلالت صریح بر آگاهی و دلالت ضمنی بر شناخت خداوند دارد (مصطفوی، ۱۶۹/۲). این دعا، با تأکید بر تقدس مکان، زائر را به تأمل در عظمت الهی دعوت می‌کند (طوسی، ۱۱۲/۶). روایت امام باقر (ع) که مشعر را «محل آگاهی و بیداری» می‌داند (کلینی، ۲۴۴/۴)، این تحلیل را تأیید می‌کند. از منظر نشانه‌شناسی، مشعر الحرام به‌عنوان نشانه‌ای مکانی، دلالت بر محل تجلی

معرفت الهی دارد (سجودی، ۱۳۹). دلالت ضمنی این دعا، تقویت حس خشوع و آگاهی زائر از حضور در محضر الهی است (ساسانی، ۹۲). از منظر عرفانی، وقوف در مشعر نشانه‌ای از «بیداری قلب» است، که زائر را به سوی معرفت و تسلیم هدایت می‌کند (خمینی، ۱۱۱). این دعا، با تأکید بر طلب معرفت، زائر را به سوی تعمیق عبودیت دعوت می‌کند (فیض کاشانی، ۱۲۳).

۱۲-۳. بازگشت به وطن

دعای خروج از مکه «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ الْحَرَامِ» (مفید، ۴۲۷) طلب بازگشت دوباره به خانه خدا را نشان می‌دهد. واژه «آخِرَ الْعَهْدِ» دلالت صریح بر اشتیاق به تکرار حج و دلالت ضمنی بر پایداری در بندگی دارد (مجلسی، ۱۷۸/۹۹). این دعا، با آیه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (البقره، ۱۹۶) هم‌خوانی دارد، که تکمیل عبادت را تأکید می‌کند (مکارم شیرازی، ۲۰۱/۲) روایت امام صادق (ع) که خروج از مکه را «آغاز مسئولیت بندگی در زندگی» می‌داند (حر عاملی، ۲۳۴/۱۱)، این تحلیل را تأیید می‌کند. از منظر نشانه‌شناسی، خروج از مکه به‌عنوان نشانه‌ای آیینی، دلالت بر بازگشت زائر به جامعه با قلبی پاک دارد (سجودی، ۱۳۵). از منظر عرفانی، این دعا نشانه‌ای از «تداوم بندگی در زندگی روزمره» است، که زائر را به سوی پایداری در عبودیت هدایت می‌کند (خمینی، ۱۱۵). این دعا، زائر را به حفظ دستاوردهای معنوی حج در زندگی دعوت می‌کند (فیض کاشانی، ۱۳۰).

۱۳-۳. تحلیل نشانه‌شناختی کلی

ادعیه حج، به‌عنوان نظام‌های نشانه‌ای پیچیده، زائر را از خودمحوری به خدامحوری هدایت می‌کنند. نشانه‌های زبانی (اسمای الهی، اقتباسات قرآنی)، تاریخی (ارجاع به انبیا) و مادی (لباس احرام، کعبه، حجرالاسود) نظامی منسجم ایجاد می‌کنند که حس فروتنی، اخلاص و تسلیم را در زائر پرورش می‌دهند (سجودی، ۱۴۰). طواف، به‌عنوان نشانه‌ای از

هماهنگی با فرشتگان (الزمر، ۷۵)، و سعی، به عنوان نماد تلاش هاجر، زائر را به تأمل در توحید و تسلیم دعوت می‌کنند (فیض کاشانی، ۱۳۰). رمی جمرات، نشانه‌ای از مبارزه با نفس، و آب زمزم، نشانه‌ای از حیات معنوی، عبودیت را به تجربه‌ای چندلایه تبدیل می‌کنند (ساسانی، ۹۲).

از منظر نشانه‌شناسی، ادعیه حج با ایجاد گفتمانی معنوی، زائر را به سوی معرفت و خلوص هدایت می‌کنند. این متون، با پیوند اعمال ظاهری به معانی باطنی، پلی میان جسم و روح ایجاد می‌کنند (خمینی، ۱۲۰). روایت امام سجاد(ع) که ادعیه حج را «کلید گنج‌های رحمت الهی» می‌داند (صحیفه سجاده دعای ۴۷)، این تحلیل را تأیید می‌کند. از منظر عرفانی، ادعیه حج نشانه‌هایی از سفر از «نفس» به «روح» هستند، که زائر را به سوی فنای فی‌الله و بقای بالله هدایت می‌کنند (فیض کاشانی، ۱۲۵).

نتایج مقاله

۱. تحلیل نشانه‌شناختی متون ادعیه حج نشان می‌دهد که این متون، به عنوان نظام‌های نشانه‌ای پیچیده، نقش محوری در تعمیق روحیه عبودیت ایفا می‌کنند.
۲. ادعیه مرتبط با احرام، طواف، سعی، عرفات، رمی جمرات، زمزم، قربانی، حلق، مشعر و خروج از مکه، با بهره‌گیری از نشانه‌های زبانی، تاریخی و مادی، زائر را به تأمل در جایگاه بندگی و تقرب به خداوند دعوت می‌کنند.
۳. این پژوهش با استناد به منابع معتبر اسلامی و چارچوب نشانه‌شناسی، نشان داد که ادعیه حج نه تنها ابزار ارتباط معنوی هستند، بلکه پلی میان ظاهر و باطن عبادت ایجاد می‌کنند.
۴. یافته‌ها بر اهمیت مطالعه نشانه‌شناختی متون دینی تأکید داشته و راه را برای تحقیقات آینده در تحلیل سایر متون عبادی، مانند ادعیه زیارات، هموار می‌سازد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه انصاریان.
۲. الصحيفة السجادية، قم، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، قم، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۹ق.
۵. ابن ماجه، ابوعبدالله محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۰ش.
۶. احمدی، محمد، بررسی نقش ادعیه در تقویت معنویت زائران حج، مجله مطالعات حج و زیارت، ۱۳۹۷ش.
۷. حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۳۶۷ش.
۸. خمینی، روح‌الله، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۰ش.
۹. خسروی حسینی، زین‌العابدین، عبودیت و بندگی در اسلام، قم، نشر معارف، ۱۳۸۵ش.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۱. رضایی، علی، تحلیل محتوای ادعیه حج در مفاتیح الجنان، مجله علوم دینی، ش ۴۰، ۱۳۹۵ش.
۱۲. زارعی سبزواری، محمد، اسرار و معارف حج، قم، نشر مشعر، ۱۳۶۷ش.
۱۳. سجودی، فرزانه، نشانه‌شناسی، نظریه و عمل، تهران، علم، ۱۳۹۰.
۱۴. ساسانی، فرهاد، نشانه‌شناسی کاربردی در متون دینی، تهران، نشر فرهنگ، ۱۳۸۳ش.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۰ش.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۳ش.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۶ش.
۱۹. فعالی، محمدتقی، اسرار عرفانی حج، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۶ش.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ش.
۲۱. کتابخانه دیجیتالی حج، فهرست کتب اسرار معنوی حج. قم: مؤسسه فرهنگی حج، ۱۴۰۳ش.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش.
۲۴. محمدی، حسین، تحلیل نشانه‌شناختی آیات قرآنی مرتبط با حج، قم، دانشگاه قم، ۱۳۹۸ش.
۲۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۰.
۲۶. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

